

# مسئولیت حقوقی بانک در برابر تقصیر سنگین

در نظام حقوقی ایران، شرط عدم مسئولیت در جایی که تقصیر عمدی یا تقصیر سنگین رخ داده باشد، نافذ نیست

طی روزهای اخیر خبر سرقت از ۱۶۲ صندوق امانت یکی از شعبات بانک ملی در تهران و حواشی آن، دغدغه حقوقی مهمی برای جامعه ایجاد کرد. از آنجا که صندوق‌های امانات حکم آخرین سنگر مقاومت در برابر سارقان را دارد، این خبر هم شو که‌کننده بود هم پریش‌های حقوقی زیادی را برای مردم مطرح کرد.

■ ■ ■

برای بررسی حقوقی و پرداختن به این موضوع، نخست باید مشخص کرد ماهیت عقدی که بین بانک و مشتری برای استفاده از صندوق امانات منعقد می‌شود، مشمول چه عنوانی از عقود است؟ در این رابطه بین حقوقدانان اختلاف‌نظرهایی وجود دارد که عنوان این عقود مشمول اجاره است یا ودیعه یا اینکه عقدی مستقل است.

■ **بای کلید در میان است**

عده‌ای از حقوقدانان بر این باورند که این نوع از قرارداد مشمول اجاره است چراکه بانک در برابر حق استفاده از این صندوق‌ها توسط مشتری، مبلغی را به‌عنوان اجرت دریافت می‌کند، در حالی که ودیعه عقدی مجانی است و بالذات اجرتی ندارد. از طرفی دیگر، کلید این صندوق‌ها در دست مشتری است، لذا بانک هیچ گونه آگاهی از محتویات صندوق‌ها ندارد و مسئول نگهداری کلید صندوق نیز نیست و این کلید در اختیار مشتری است، ضمن اینکه در این قراردادها عملاً چیزی برای نگهداری یا بانک سپرده نمی‌شود.انحصار اموال خود را در صندوق می‌گذارد ولی قصد مشترک طرفین این نیست که بانک از محتویات در صندوق نگهداری کند. هنگامی که بانک حتی از محتویات صندوق آگاهی ندارد، چگونه می‌تواند نسبت به چیزی که در رابطه با هویت این علم ندارد، مراقبت کند؟ لذا وظیفه بانک، حفاظت از صندوق‌ها و تأمین امنیت آنهاست.

فرضا اگر شخصی کلید صندوق امانت را مفقود کرد و بعد این کلید توسط شخص دیگری مورد سوءاستفاده قرار گرفت، بانک در شرایط عادی مسئول جبران خسارت نیست چراکه حفاظت از کلید و محتویات در معنای اخص کلمه، بر عهده مالک محتویات صندوق است.

■ **مسئول جبران خسارت یا تأمین امنیت**

در فلسفه ودیعه اما این دادن به دیگری برای حفاظت از مال است که اصولاً به صورت مجانی انجام می‌شود. در حالی که در این قراردادها، وظیفه بانک، حفاظت از مجموع صندوق‌ها و تأمین امنیت آنهاست، و گرنه حفاظت از محتویات صندوق در شرایط عادی، بر عهده مالک است و هر زمان که نخواهد می‌تواند آن‌را دانه از اموالش استفاده کند. در نتیجه این قراردادها به اجاره شباهت بیشتری دارد.

در مقابل این نظریات، برخی هم معتقدند این قرارداد ترکیبی از اجاره و ودیعه است. گروه دیگری از حقوقدانان هم معتقدند عقدی مستقل است، اما فارغ از بحث‌های ماهوی حول اینکه عقد مزبور اجاره است یا ودیعه، جامعه امروزی به دنبال تبیین این سؤال است که آیا بانک

مسئول جبران خسارت به افراد است یا خیر؟ اولاً بانک طبق تعهد قراردادى خود، موظف است امنیت محل نگهداری از صندوق‌های امانات را حفظ کند و اقدامات لازم برای پیشگیری از سرقت و ایجاد

هر گونه اتفاق غیرمترقبه انجام دهد.

در این راستا یکی از اقدامات پیشگیرانه بانک‌ها برای تأمین امنیت صندوق‌ها، استفاده از سنسورهای امنیتی، دزدگیرهای مخصوص و سایر تدابیر است، اما طبق گفته رسانه‌ها و اظهارات رئیس شعبه، بانک مزبور مجهز به دزدگیر و آژیر مخصوص بوده‌است، اما این آژیر باید به‌دو شماره اتصال داشته باشد تا هشدارها را از سایر کتد، یکی شماره رئیس بانک و دیگری سامانه پلیس. گویا اتصال سیستم هشدار با سامانه پلیس برقرار نبوده و فقط هشدار برای رئیس شعبه می‌رود، اما رئیس شعبه به دلیل وجود آژیرهای کاذب مکرر، توجهی به این هشدار نمی‌کند.

■ **ارجاع به کارشناس دادگستری**

ابعد اجرای اخیر نشان می‌دهد پتانک در رابطه با آژیر و دزدگیرها شمارهای متصل به آنها، تقصیر محرز در امر حرفه‌ای داشته است. اینکه بانک طبق قرارداد منعقدہ موظف است امنیت صندوق‌ها را تأمین کند و یکی از طرق تأمین امنیت صندوق‌های بانک، استفاده از دزدگیرهاست

و بانک نسبت به این امر تا اندازه کافی توجه نکرده است، چیزی جز تقصیر نیست.

هنگامی که اینگونه تقصیر در تسهیل امر سرقت مؤثر واقع شده است، حتی اگر به فرض اینکه سرقت را از قوه قاهره تلقی کنیم، باز هم سبب بی‌مسئولیتی بانک نخواهد شد. همچنین باید این امر ارجاع به کارشناس دادگستری شود که مشخص شود بانک چه مقدمات امنیتی دیگری را نیز رعایت نکرده است؟ و همه تفاسیر فوق، تقصیر سنگین بانک محرز و غیر قابل انکار است، لذا بانک در وهله اول طبق قواعد حقوقی موظف به پرداخت خسارت زیان‌دیدگان است. اینکه بانک در قراردادهایی که منعقد می‌کند، ذکر کرده است هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد، در این پرونده نمی‌تواند مصادیقی داشته باشد. در ماده ۱۷بیین‌نامه صندوق‌های اجاره‌ای به این موضوع اشاره شده است که بانک در برابر محتویات صندوق و زیان‌های وارده به آن مسئولیتی ندارد. فلسفه این ماده برای پرونده سرقت قابل استناد نیست چراکه در نظام حقوقی ایران، شرط بی‌مسئولیتی در جایی که تقصیر عمد یا تقصیر سنگین رخ داده باشد، نافذ نیست و همچنین این شرط بانک‌ها، خلاف نظم عمومی نیز است که مجداً سبب نفوذناشتن آن می‌شود.

■ **بررسی در قالب ماده ۶۰۷ قانون مدنی**

همچنین از مواد یک و ۱۱ قانون مسئولیت مدنی این نکته را می‌توان استنباط کرد که بانک چه عاملانہ و چه سهواً سبب ایجاد خسارت به صندوق‌های اشخاص شده باشد، مسئولیت جبران این خسارت را دارد، لذا در وهله اول باید



سارقان این صندوق‌ها دستگیر شوند و اموال مردم بازیس گرفته شود و اگر این اتفاق محقق نشد، بانک باید نسبت

به جبران تمامی خسارات مشتریان خود اقدام کند، البته حتی در صورت دستگیری مجرمان و بازپس‌گیری اموال، همچنان بانک مسئول پرداخت سایر خسارات اعم از خسارات معنوی مشتریان است.

آنطور که خیرانلاین هم گزارش داده است، ماجرای صندوق‌های امانات را می‌توان در قالب ماده ۶۰۷ قانون مسئولیت مدنی بررسی کرد. در این ماده قانونی که در محبت ودیعه گنجانده شده، اشاره می‌شود که ودیعه عقدی است که موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد، برای آنکه آن را مجاناً نگه دارد.

ودیعه گذار را مسودع و ودیعه‌گیر به مستودع یا امین می‌نامند. اولین چیزی که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود، اشاره به نگهداری مجانی مال است. این در حالی است که بانک‌ها در جریان عقد قرارداد صندوق امانات پولی را برای نگهداری مال از مشتری‌ها دریافت می‌کنند، برای همین ماجرای صندوق‌های امانات را به عنوان عقد بیع نمی‌توان در نظر گرفت.

مورد دومی که باید در این زمینه بررسی شود، اشاره به ماده ۶۱۲ قانون مدنی است؛ جایی که قانونگذار تعهدات امین را تبیین می‌کند. در این ماده تصریح می‌شود که امین باید مال ودیعه را به طوری که مالک مقرر کرده، حفظ کند. اگر ترتیبی تعیین نشده باشد، آن را به گونه‌ای که نسبت به آن مال متعارف است، محافظت کند، والا ضامن است.

■ **تنظیم قراردادها به نفع بانک**

اظهارات برخی مدیران بانکی هم این پرونده را مبهم‌تر کرده است؛ جایی که آنها می‌گویند در قرارداد تصریح شده است که ما هیچ مسئولیتی در قبال مال مشتری‌ها نداریم و اگر مال تلف شود، مسئولیتی متوجه ما نیست. اینجا باید فهمید که آیا بانک در قبال اموال ضامن است یا خیر؟

اگر ضامن است، چگونه و تا چه حدی باید خسارات بپردازد؟ آیا باید حرف‌صاحب صندوق را پذیرفت یا بانک را؟ با این حال با بررسی سایر مفاد قانون مدنی در بخش ودیعه می‌بینیم که این قرارداد از شمول این نوع قرارداد خارج است و برای همین شاید نامگذاری عنوانی مانند «صندوق امانات» برای این صندوق‌ها اشتباه باشد، اما از آنجا که بانک برای در اختیار قرار دادن این صندوق‌ها، اجاره‌ای از صاحبان صندوق دریافت می‌کند، آیا می‌توان آن را از شمول ماده ۴۶۶ قانون مدنی، یعنی قرارداد اجاره دانست؟

باز هم با نگاهی به مواد قانونی مدنظر می‌توان فهمید این قرارداد، قرارداد اجاره نیست، چون شرایط و مقررات عقد اجاره با این شرایط نگهداری سپرده‌ها و اموال در صندوق امانات همخوانی ندارد.

از نسوی دیگر در عمده قراردادهایی که بیین بانک و مشتری‌ها تنظیم می‌شود و عمدتاً توسط وکلای حقوقدان‌های مجرب تنظیم شده است، شرایط به نفع بانک در نظر گرفته می‌شود.

■ **حرف آخر را مرج قضایی می‌زند**

همچنین در رفتارهای مشتری‌ها کمتر مشاهده شده است این موارد قانونی را با دقت مطالعه کنند و اغلب خواننده امضا می‌کنند، از این رو بعید است کسانی که صندوق‌ها را اجاره کرده‌اند، با دقت آن را بررسی کرده و از حقوق خودشان آگاه باشند، برای همین است که می‌بینیم برخی مدیران بانکی در همان ساعات اولیه مصاحبه و از خودشان سلب مسئولیت می‌کنند، چون می‌دانند در آن قرارداد شرایط به نفع بانک تنظیم شده است.

در ماده ۱۷ این‌نامه صندوق‌های اجاره‌ای قید شده است بانک هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال خسارت‌های وارده یا مسائل مشابه ندارد، این در حالی است که برخی مدیران بانکی عنوان کرده‌اند خسارت‌های مشتری‌ها را پرداخت می‌کنند. این هم یکی دیگر از موضوعاتی است که این پرونده را غامض‌تر کرده است. گفتنی است مباحث حقوقی در این خصوص، صرفاً تحلیل‌هایی بر اساس قواعد حقوقی در رابطه با مسئولیت بانک است. اینکه چگونه باید مشتریان نسبت به اثبات وجود اثنیای داخل صندوق‌ها و تعیین میزان آنها اقدام کنند و اینکه تصمیم لازم‌الاجرا چه باشد، نیازمند گذران جریان عدای پرونده از طریق مجاری قانونی است و تصمیم نهایی را مراجع قضایی اتخاذ خواهند کرد.

✽ **حقوقدان**

### دیده‌بان



## تخلیه و پرداخت اجاره‌بها

در خصوص مسائلی مربوط به مسکن یکی از مفاهیم حقوقی، اجور معوقه است. اجور معوقه همچنان که از نام آن نیز مشخص است، به معنای اجاره‌بهای عقب‌افتاده است. اجاره‌بهای مکان استیجاری که مستأجر آن را پرداخت نکرده و اجور جمع اجاره بوده و معوقه به معنای به تعویق افتاده است.

■ **تعهدات مستأجر نسبت به اجور معوقه**

تعهدات مستأجر نسبت به اجاره‌بها به این صورت است که طبق اجاره‌نامه تنظیم‌شده فی‌مابین مؤجر و مستأجر، مبلغ اجاره‌بها باید در زمان مقرر قیدشده در اجاره‌نامه، مثلاً ماهانه یا سالانه توسط مستأجر به مؤجر پرداخت شود. در صورت پرداخت‌نکردن اجاره‌بها و به تعویق افتادن آن مؤجر می‌تواند طی دادخواست حقوقی مستأجر را ملزم به پرداخت اجاره‌بهای عقب‌افتاده کند که پس از صدور رأی و انجام مراحل اجرایی قابلیت وصول خواهد داشت.

■ **تعديل اجاره‌بها**

عقد اجاره پس از تنظیم قرارداد و تعیین مبلغ میان طرفین لازم‌الاتباع است و طرفین ملزم به انجام تعهدات خود هستند، لذا تعدیل اجاره‌بها می‌تواند با توافق طرفین یا اگر در متن قرارداد به آن تصریح شده باشد، انجام شود یا تحت شرایط خاصی از طرف مؤجر یا مستأجر به طرفیت یکدیگر یا به تقدیم دادخواست انجام شود.

■ **فسخ قرارداد اجاره**

قرارداد اجاره با انقضای مدت اجاره به پایان می‌رسد، مگر اینکه شرایط خاصی موجب‌فسخ آن را فراهم آورد، در جمله اینکه مؤجر به تعهدات مندرج در اجاره‌نامه عمل نکند یا عیوب در مورد اجاره موجود بوده که از مستأجر پنهان شده یا به اطلاع وی نرسیده باشد یا مستأجر مورد اجاره را در غیر آنچه در اجاره‌نامه آمده و مورد توافق پیش‌برده استفاده کند که از موجب‌فسخ پیش از موعد است.

■ **انواع روش‌های پرداخت اجاره‌بها**

پرداخت اجاره‌بها بر اساس توافقی است که بین مؤجر با مستأجر صورت گرفته و معمولاً در متن اجاره‌نامه مشخص و تصریح شده است. پرداخت می‌تواند در صورت نقدی در قبال دریافت رسید از مؤجر یا واریز به حساب مشخصی که مؤجر به مستأجر معرفی کرده و به صورت روزانه، ماهانه یا

سالانه صورت پذیرد.

■ **تساوت اجاره‌بهای معوقه و اجرت‌المثل**

ایام تصرف

تفاوت اجاره‌بهای معوقه و اجرت‌المثل ایام تصرف در این است که در دعوی اجاره‌بهای معوقه، قرارداد اجاره‌ای که بین دو طرف، یعنی مؤجر و مستأجر تنظیم شده است نهای اجاره هم در آن مشخص و طبقه پرداخت آن نیز تصریح شده و مستأجر اجاره‌بها را به مؤجر پرداخت نکرده باشد.

اجرت‌المثل ایام تصرف زمانی مطرح می‌شود که قراردادی موجود نیست یا مدت آن به اتمام رسیده و مستأجر از تحویل مورد اجاره امتناع ورزیده باشد یا تصرفات وی عاصیانہ و بدون اذن و موافق مؤجر بوده است.

■ **تعریف اجرت‌المثل و اجرت‌المسمی**

در صورتی که شخصی از مال دیگری بدون وجود قراردادی بین آنها استفاده کند، باید اجرت منافع استفاده‌شده را به مالک آن بپردازد که به آن اجرت‌المثل گویند و میزان آن را کارشناس دادگاه تعیین می‌کند.

اما اگر بیین طرفین قراردادی (مانند عقد اجاره) مدارک لازم جهت تنظیم سند اجاره‌نامه املاک وجود داشته باشد و اجرت استفاده از مال در قرارداد و با توافق طرفین مشخص شود به آن اجرت‌المسمی می‌گویند.

اجرت‌المسمی در واقع مبلغی است که در قرارداد اجاره تعیین می‌شود و تفاوت‌های اساسی با اجرت‌المثل دارد. اجرت‌المسمی به صورت قراردادی بین مستأجر و مؤجر تعیین می‌شود اما اجرت‌المثل منشأ قراردادی ندارد و پس از ارائه دادخواست مطالبه اجرت‌المثل توسط مؤجر به دادگاه، از سوی کارشناس تعیین می‌شود. در صورت تأخیر در پرداخت اجاره‌بها و طرح دعوی مطالبه اجاره‌های معوقه در دادگاه، مستأجر باید علاوه بر پرداخت اجرت‌المسمی، خسارت تأخیر تأدیه را نیز بپردازد، اما از آنجا که اجرت‌المثل خود، نوعی خسارت است، خسارت تأخیر تأدیه به آن تعلق نمی‌گیرد.

■ **دعای تخلیه و تحویل عین مستأجره چگونه مطرح می‌شود؟**
دعای تخلیه و تحویل عین مستأجره در قالب دادخواست حقوقی مطرح می‌شود که می‌تواند به عللی از جمله انقضای مدت اجار یا نیاز شخصی یا تصرفات غیر قانونی از جانب مؤجر و به طرفیت مستأجر یا متصرف مطرح شود.

<sup>[1]</sup> در نظام حقوقی ایران، شرط عدم مسئولیت در جایی که تقصیر عمدی یا تقصیر سنگین رخ داده باشد، نافذ نیست

## توجه حقوق بشری در قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آزادی‌های فردی و اجتماعی توجه زیادی شده است

مخل نظم، امنیت و اخلاق حسنه یا مزاحم حقوق و آزادی‌های دیگران شود، مطابق قاعده کلی آزادی عقیده محدود می‌شود و اعلامیه‌های حقوق هم از این آزادی و محدودیت آن یاد کرده‌اند.

■ **اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**

به آزادی مطبوعات که جزو موارد و مصادیق حقوق بشر است، اشاره کرده است و ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم نزدیکی زیادی به این اصل دارد. در این اصل آمده، آزادی مطبوعات به عنوان یکی از حقوق بنیادین، مظهر تمدن یک ملت و نشانه بیداری یک ملت آگاه است.

■ **اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**

به آزادی زندگی خصوصی اشاره کرده است و ماده ۱۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم آن را تصدیق می‌کند. این اصل به طور مطلق هم دخالت در امور مردم بیان نشده است، مگر به حکم قانون و امروزه به دلیل سیستم‌های انفورماتیک برای آزادی اشخاص مشکلات زیادی را به وجود آورده است و مصونیت اسرار شخصی نقض می‌شود.

■ **اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**

به آزادی احزاب و جمعیت‌ها اشاره کرده است. ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۲۱ و ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق تشکیل اجتماعات را به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر مورد لحاظ قرار داده و نزدیک به این اصل هستند. امروزه احزاب در جهان به عنوان یکی از پایه‌های جامعه مدنی باعث تلفیق کردن خرده‌گرایش‌های فردی و اجتماعی می‌شود و مخصوصاً در امر انتخابات راهگشا خواهد بود. طبق ماده ۵۸۴ قانون تجارت، چون احزاب شخصیت حقوقی تحصیل می‌کنند، برای اعمال حقوقی خود نیازمند مجوز از وزارت کشور هستند و برای تشکیل اجتماعات به خصوص به موافقت مقامات در وزارت کشور نیاز دارند.

■ **اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**

همان طور که بیان شده این اصل هم به آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها اشاره کرده است و در کل، مأموران پلیس حق ندارند به طور مطلق اجتماع عمومی را ممنوع کنند و فقط در صورتی که پلیس نتواند به گونه دیگری نظم عمومی را حفظ کند، اقدام سلبی مجاز است.

■ **اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**

به حق داشتن شغل اشاره می‌کند و به بند ۴ اصل ۲۳ ق.ا.م در تباط دارد و به مواد ۲۲ و ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ۱۰۷ تا ۱۲۹ قانون کار و ماده ۱۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر هم مرتبط است. آزادی شغل، لازمه حکومت انسان پرست‌نوش اجتماعی خویش است.

■ **اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**

به تأمین اجتماعی به کلی اشاره کرده و ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۱۷ اعلامیه اسلامی حقوق بشر و قوانین تأمین